

عنوان درس

معنای صراط و پیمودن صراط مستقیم

ویژه جوان

ارائه محتوا جهت استفاده
مربیان، ائمه جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir





فهرست

۳ معنای صراط

۴ پاسخ به یک سوال

۶ صراط مستقیم چیست؟



معنای صراط و پیمودن صراط مستقیم

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

ما را به راه راست هدایت فرما.

معنی صراط

ابن بابویه بسند خود از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که مفضل بن عمر از آنحضرت معنای صراط را سؤال نمود، فرمود: صراط عبارت از راهی است بسوی معرفت پروردگار و این راه دو تاست یکی راه دنیا و دیگری راه آخرت است، اما راه دنیا شناختن و معرفت امام است که بر هر کس واجب است در دنیا امام خود را شناخته و اطاعت او را نماید و او را پیشوای خود دانسته و به راهنمایی آنها از صراطی که پل جهنم است بخوبی عبور کند و هر که در دنیا امام زمان خود را نشناسد قدمهایش در صراط بلغزد و بجهنم واصل گردد، و به سند دیگر از آنحضرت روایت نموده فرمود: صراط المستقیم وجود مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) میباشد.

و به روایت دیگر آن حضرت فرمود: صراط المستقیم یعنی ما را به راهی که بسوی دوستی تو ای خداوند منتهی شود هدایت فرما و مانع شو از راهی که پیروی هوای نفس خود کرده و بزحمت برسیم و یا برای خود عمل نموده و هلاک شویم.

و روایت کرده ابن بابویه در کتاب معانی از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: نیست میان خداوند و حجتهای او حجاب و پرده‌ای و نمی‌باشد از برای خداوند سواي حجتهای او حجابی و مائمه، راه خدا و طریق راست او هستیم و ما خزانه‌دار علم و دانش خدا و مترجم وحی او و ارکان توحید و محل اسرار پروردگار می‌باشیم و نیز روایت کرده از حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: صراط المستقیم عبارت از راهی است که خداوند به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و ذریه او عطا کرده.

این کلمه در لغت به معنای طریق و سیل نزدیک به هم هستند، و اما از نظر عرف و اصطلاح قرآن کریم، باید بدانیم که خدای تعالی صراط را به وصف استقامت توصیف کرده، و آن گاه بیان کرده که این صراط مستقیم را کسانی می‌پیمایند که خدا بر آنان انعام فرموده. و صراطی که چنین وصفی و چنین

شانی دارد، مورد درخواست بندگان عابد، قرار گرفته و نتیجه و غایت عبادت او واقع شده، و به عبارت دیگر، بنده عابد، از خدایش درخواست می‌کند که عبادت خالصش در چنین صراطی قرار گیرد.

پس از اظهار تسلیم در برابر پروردگار و وصول به مرحله عبودیت و استعانت و استمداد از ذات پاک او نخستین تقاضای بنده این است که او را به راه راست، راه پاکی و نیکی، راه عدل و داد، و راه ایمان و عمل صالح هدایت فرماید، تا خدایی که همه نعمتها را به او ارزانی داشته، نعمت هدایت را نیز بر آن بیفزاید.

گرچه این انسان در چنین شرائطی مؤمن است، و با خدای خود آشنا، ولی امکان دارد که هر آن این نعمت به خاطر عواملی از او سلب گردد، و از صراط مستقیم منحرف و گمراه شود.

پس باید هر شبانه روز لا اقل ده بار از خدای خود بخواهد که لغزش و انحرافی برای او پیش نیاید. بعلاوه این «صراط مستقیم» که همان آئین حق است مراتب و درجاتی دارد که همه افراد در پیمودن این درجات یکسان نیستند، هر مقدار از این درجات را انسان طی نماید، باز درجات بالاتر و والاتر وجود دارد که انسان با ایمان باید از خدا بخواهد تا او را به آن درجات هدایت کند.

پاسخ به یک سؤال

در اینجا این سؤال معروف که چرا ما همواره از خداوند درخواست می‌کنیم که ما را به صراط مستقیم هدایت فرماید، مگر ما گمراهیم؟ مطرح می‌شود. وانگهی به فرضی که این سخن از ما زبینه باشد از پیامبر و امامان که نمونه انسان کامل بودند چه معنی دارد؟! در پاسخ این ایراد می‌گوئیم:

اولاً: همانطور که اشاره شد، انسان در مسیر هدایت هر لحظه بیم لغزش و انحراف درباره او می‌رود، به همین دلیل باید خود را در اختیار پروردگار بگذارد و تقاضا کند که او را بر راه راست ثابت نگهدارد. ما نباید فراموش کنیم که وجود و هستی و تمام مواهب الهی، لحظه به لحظه از آن مبدء بزرگ به ما میرسد.

سابقاً گفتیم مثل ما و همه موجودات (از یک نظر) مثل لامپهای برق است، اگر می‌بینیم نور لامپ، متصل و یک نواخت پخش می‌شود به خاطر آن است که لحظه به لحظه نیرو از منبع برق به او میرسد،



منبع برق هر لحظه نور جدیدی تولید می کند و بوسیله سیمهای ارتباطی به لامپ تحویل می گردد. هستی ما نیز همانند نور این لامپها است، گر چه به صورت یک وجود ممتد جلوه گر است، ولی در حقیقت لحظه به لحظه وجود تازه ای از منبع هستی آفریدگار فیاض، به ما می رسد.

بنا بر این همانگونه که هر لحظه وجود تازه ای به ما می رسد، به هدایت جدیدی نیز نیازمندیم، بدیهی است اگر موانعی در سیمهای معنوی ارتباطی ما با خدا ایجاد شود، کژیها، ظلمها، ناپاکیها و... پیوند ما را از آن منبع هدایت قطع می کند، و همان لحظه از صراط مستقیم منحرف خواهیم شد. ما از خدا طلب می کنیم که این موانع پیش نیاید و ما بر صراط مستقیم ثابت بمانیم.

ثانیاً: هدایت همان پیمودن طریق تکامل است که انسان تدریجاً مراحل نقصان را پشت سر بگذارد و به مراحل بالاتر برسد. این را نیز می دانیم که طریق تکامل نامحدود است و به سوی بی نهایت هم چنان پیش می رود.

بنا بر این جای تعجب نیست که حتی پیامبران و امامان از خدا تقاضای هدایت «صراط مستقیم» کنند، چه اینکه کمال مطلق تنها خدا است، و همه بدون استثناء در مسیر تکاملند چه مانع دارد که آنها نیز تقاضای درجات بالاتری را از خدا بنمایند.

مگر ما بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) صلوات و درود نمی فرستیم؟ مگر مفهوم صلوات، تقاضای رحمت تازه پروردگار برای محمد و آل محمد نیست؟ مگر خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی فرمود: رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا: خدایا علم (و هدایت) مرا بیشتر کن! مگر قرآن نمی گوید: وَ يَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى: (خداوند هدایت هدایت یافتگان را افزون می کند) (مریم- ۷۶).

و نیز می گوید: وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ: آنها که هدایت یافته اند خداوند بر هدایتشان می افزاید، و تقوا به آنها می دهد. (محمد- ۱۷).

و از اینجا پاسخ سؤالی که مربوط به درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان است نیز روشن می شود که این درود و صلوات در حقیقت تقاضای مقام بالاتر و والاتر برای آن بزرگواران است. برای روشن شدن آنچه گفتیم به دو حدیث زیر توجه فرمائید:



۱- امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در تفسیر جمله اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ می فرماید، یعنی: خداوندا توفیقاتی را که در گذشته بر ما ارزانی داشتی و به برکت آن تو را اطاعت کردیم، هم چنان ادامه ده تا در آینده عمرمان نیز تو را اطاعت کنیم.

۲- امام صادق (علیه السلام) می فرماید: خداوندا ما را بر راهی که به محبت تو می رسد و به بهشت واصل می گردد، و مانع از پیروی هوسهای کشنده و آراء انحرافی و هلاک کننده است، ثابت بدار.

صراط مستقیم چیست؟

آن گونه که از بررسی آیات قرآن مجید بر می آید «صراط مستقیم» همان آئین خدا پرستی و دین حق و پایبند بودن به دستورات خدا است، چنان که در سوره انعام آیه ۱۶۱ می خوانیم: قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: (بگو خداوند مرا به صراط مستقیم هدایت کرده؛ به دین استوار، آئین ابراهیم که هرگز به خدا شرک نرزید).

در اینجا «دین ثابت و پا برجا و آئین توحیدی ابراهیم و نفی هر گونه شرک» به عنوان صراط مستقیم معرفی شده که این جنبه عقیدتی را مشخص می کند.

اما در سوره یس آیه ۶۱ و ۶۲ چنین می خوانیم: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید (بدستورات او عمل ننمائید) و مرا پرستش کنید این همان صراط مستقیم است).

در اینجا به جنبه های عملی آئین حق اشاره شده که نفی هر گونه کار شیطانی و عمل انحرافی است. و به گفته قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۰۱ راه رسیدن به صراط مستقیم، پیوند و ارتباط با خدا است (وَمَنْ يَتَخِصَّمْ بِاللَّهِ فَقَدِ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ).

ذکر این نکته نیز لازم به نظر می رسد که راه مستقیم همیشه یک راه بیشتر نیست، زیرا میان دو نقطه تنها یک خط مستقیم وجود دارد که نزدیکترین راه را تشکیل می دهد.



بنا بر این اگر قرآن می‌گوید صراط مستقیم، همان دین و آئین الهی در جنبه‌های عقیدتی و عملی است به این دلیل است که نزدیکترین راه ارتباط با خدا همان است. و نیز به همین دلیل است که دین واقعی یک دین بیشتر نیست: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. دین در نزد خدا اسلام است (آل عمران آیه ۱۹).

به خواست خدا بعداً خواهیم دید که اسلام معنی وسیعی دارد که هر آئین توحیدی را در آن عصر و زمان که رسمیت داشته و با آئین جدید نسخ نشده است، شامل می‌شود.

و از اینجا روشن می‌شود تفسیرهای مختلفی که مفسران در این زمینه نقل کرده‌اند همه در واقع به یک چیز باز می‌گردد:

بعضی آن را به معنی اسلام، بعضی به معنی قرآن، بعضی به پیامبر و امامان راستین.

و بعضی آن را به آئین «الله» که جز آن را قبول نمی‌کند، تفسیر نموده‌اند.

تمام این معانی بازگشت به همان دین و آئین الهی در جنبه‌های اعتقادی و عملی می‌کند.

همچنین روایاتی که در منابع اسلامی در این زمینه وارد شده و هر کدام به زاویه‌ای از این مساله اشاره کرده همه به یک اصل باز می‌گردد، از جمله: از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین نقل شده:

الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ صراط الانبياء و هم الذين انعم الله عليهم: (صراط مستقیم راه پیامبران است و همانها هستند که مشمول نعمتهای الهی شده‌اند).

از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم که در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» فرمود: الطريق و معرفة الامام: منظور راه و شناخت امام است.

و نیز در حدیث دیگری از همان امام نقل شده: و الله نَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ: به خدا سوگند ما ایم صراط مستقیم.

در حدیث دیگری باز از همان امام همام می‌خوانیم که فرمود: صراط مستقیم، امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است.

مسلم است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) همه به همان آئین توحیدی خدا دعوت می‌کردند، دعوتی که جنبه‌های اعتقادی و عملی را در بر می‌گرفت.



جالب اینکه «راغب» در کتاب «مفردات» در معنی صراط می گوید: «صراط» راه مستقیم است، بنا بر این مستقیم بودن در مفهوم صراط افتاده، و ذکر آن به صورت توصیف، برای تاکید هر چه بیشتر روی این مساله است. ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت نموده در تفسیر کریمه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» که ای بندگان درخواست نمائید از پروردگار که شما را بدوستی محمد و اهل بیت او سلام الله علیهم ارشاد فرماید.

